



روشن است و محقق که هر پدیده‌ای در قلمرو فن و علم، آغازی دارد و سیری، که چگونگی تحویل و تحوّل آن پدیده را نشان می‌دهد و هم اوجی دارد و افولی که این همه، مطالعه و ملاحظه آن پدیده را در تاریخ فکر و فرهنگ و تمدن تبیین می‌کند. در حوزه نسخه‌پردازی نسخ خطی فارسی، نسخه‌پردازان، در درازنای هزار سال، پدیده‌هایی وضع کرده‌اند که هر چند در آغاز، برخی از آنها فردی بوده و صورت ابتدایی داشته است، اما چون فن نسخه‌پردازی را به مفهوم نسخه‌آرایی می‌پیوسته است، با گذشت زمان روی به رشد و زیبایی و کمال نهاده و به حیث یکی از اجزای فن نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی در میان بعضی از شبکه‌های نسخه‌نویس و کتاب‌آرایی پذیرفته شده و گاه دامنه آن دراز دامن‌تر گشته و در مواردی حتی عمومیت یافته است.

از این روی، بررسی تحویل و تحوّل نسخه‌های خطی و سیر آن از نسخه‌پردازی به کتاب‌آرایی، بی‌تردید، دانش نسخه‌شناسی نسخ خطی را تاریخی می‌سازد و آنگاه که شناخت پدیده‌های ویژه و وابسته به حوزه نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی وجهی تاریخی یافت، بی‌گمان شناختگی گروه یا دسته‌هایی از نسخ خطی را دقیق‌تر و متقن‌تر می‌سازد و راه خطیر تصحیح انتقادی متون را گشاده‌تر می‌کند و حتی آن را به گونه‌ای از "دانش" به نام "دانش تصحیح متون" ارتقا می‌دهد.

برای رسیدن به این مرتبه از دانش، نخستین ابزاری که می‌بایست فراهم آید، تدوین فرهنگ تاریخی اصطلاحات و مفاهیمی است که برای پدیده‌های نسخه‌پردازی، ذریعه نسخه‌پردازان و کتاب‌آریان در زبان فارسی و تازی وضع شده است، لازم و ضروری می‌نمایند. متأسفانه هنوز در زبان فارسی تألیف دانش‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها یا اصطلاحنامه‌های تاریخی/موضوعی تألیف

فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه‌شناسی (جدول)

نجیب مایل هروی*

چکیده: در این مقاله مؤلف مراحل تدوین و تألیف فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه‌شناسی را طبقه‌بندی کرده و به عنوان نمونه به یکی از مفاهیم نسخه‌شناسی که اصطلاحاً جدول نامیده می‌شود و تمامی مراحل مذکور را طی کرده است می‌پردازد. با توجه به بررسی‌های انجام شده در تاریخ کتاب‌آرایی و نسخه‌شناسی تاریخی نسخ خطی فارسی، می‌توان رواج جدول‌کشی را به اواخر سده هفتم هجری منسوب کرد. این هنر در ایران ممکن است از سه طریق، یعنی آثار مانوسی در ایران، نسخه‌های خطی چینی و نسخه‌های خطی اسکندرانی آموخته شده باشد. جدول نیز مانند دیگر هنر‌ها دارای انواع مختلفی است که متداول‌ترین آنها عبارتند از: ۱) جدول دوگانه یا جدول اول (۲) جدول مثنی یا دوگان (۳) جدول سه‌تحریر (۴) جدول زنجیره.

کلید واژه: جدول؛ نسخه‌آرایی؛ تذهیب؛ نسخه‌های خطی؛ نسخه‌شناسی.

*نویسنده و محقق.

وتدوین نشده است. به همین جهت درک تاریخی اصطلاحات و مفاهیم در بسیاری از حوزه های پژوهشی شکوفا نگشته است و آگاهی های نسخه شناسانه نسخه شناسان، و به تبع آن، استدراک متن شناسان، قانونمند و منظومه وار نمی نماید. نگارنده در دهه ۶۰ خورشیدی بر آن شد تا اصطلاحنامه تاریخی مفاهیم نسخه پردازی و کتاب آرایی را فراهم سازد، اما وقتی به تدوین آن اهتمام کرد، عملاً به این خواسته مهم پژوهشی دست نیافت، زیرا اطلاعات مضبوط و مفید رادر نگارش های اهل فن - چه آثار پیشینان و چه نگارش های پسینان - بسیار گسسته و اندک یافت. پس از تأمل بر این گسست ها به این نتیجه رسید که می بایست رویت و بررسی نسخ خطی را به حیث نخستین گام مؤثر مورد توجه قرار دهد و مصداق های مفاهیم و اصطلاحات را بر پایه تورق و رویت نسخ خطی ملاحظه کند تا گسست های تاریخی تحویل و تحوّل مفاهیم و اصطلاحات نسخه پردازان و کتاب آرایان را با اطلاعات مندرج در مآخذ مستقیم بر طرف سازد.

برای رسیدن به این مرحله، نگارنده نخست بر آن شد تا شبکه های نسخه نویسان و کتاب آرایان را در تاریخ نسخه نویسی و کتاب آرایی باز شناسد. این شناسایی رادر دو کتاب نقد و تصحیح متون (مشهد: ۱۳۶۹) و تاریخ نسخه پردازی (تهران: ۱۳۸۰) مجال طرح داد. با این همه، تدوین فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه پردازی راهی دراز در پیش دارد و آن طبقه بندی نسخ خطی است به طوری که محلّ انشاء آنها روشن گردد و آنگاه رویت و تورق دقیق آنها به اعتبار پیگیری مصداق های مفاهیم مورد بحث صورت گیرد. با این بررسی آشکار می گردد که کدام یک از مصداق های نسخه پردازی، نخست در کدام شبکه نسخه نویسی و کتاب آرایی رواج یافته و چگونه به دیگر شبکه ها راه یافته و پخته و سره شده است.

نگارنده که بر پاره ای از مصداق های نسخه پردازی از این روزنه نگاه کرده است، اینک یکی از مفاهیم نسخه آرایی را که در اصطلاح نسخه آرایان "جدول" نامیده می شده، مورد تأمل قرار داده است.

جدول در لغت به معنای جوی آب است و در اصطلاح کتاب آرایی سنتی به خطهایی اطلاق می گردیده که بر چهار طرف صفحه، کشیده می شده است، به آن گونه

که انجامه های خطهای مذکور با هم تلاقی می کرده و با توجه به قطع کتاب، به صورت مستطیل و مربع، حدفاصل میان متن و حاشیه صفحه بوده است. بیت زیر معنای لغوی و اصطلاحی جدول را نشان می دهد:

جدول چون چهار جوی بهشت

فیض بخش از چهار سوی بهشت
جدول های صفحات کتاب را عموماً مذهبیان و بعضاً جلد سازان جلد های ضریبی - که با تذهیب آشنا بوده اند - می کشیده اند که اصطلاحاً از آنان به عنوان "جدول کش" یاد می شده است.^۲

جدول کش، نخست نقش خطهای جدول را با آلتی خاص بر روی کاغذ می گذارده است به این گونه که ذریعه "مسطر ابریشمی" (نخی) بر اثر فشار آن بر کاغذ، نقش خطوط را بر کاغذ می گذاشته یا با ستاره جدول، نقش جدول را بر کاغذ تعبیه می کرده است. این نقش خطوط جدول را که در واقع پیش طرح و پیش زمینه جدول بوده "جدول مسطر" می نامیده اند.^۳

خامه چون سازد حدیث ریزش دستش رقم

می شود در جدول مسطر روان آب طلا
پس از آنکه کاتب صفحه کاغذ توسط کاتب نویسانیده می شده، جدول کش، نقش ضریبی خطوط (جدول مسطر) را با زر حل (آب طلا) ترسیم می کرده است. البته جدول کشان علاوه بر آب طلا، از رنگ های مأخوذ از لاجورد، نقره و الوان سیلو، سنگرف و سیاهی (برای تحریر) نیز در جدول کشی استفاده می کرده اند، اما در جدول های تزئینی بیشتر با محلول نقره و زر عمل می نموده اند. به این مناسبت است که تعبیراتی چون "جدول زر" و "جدول سیم" در ادب فارسی شیاع یافته است:

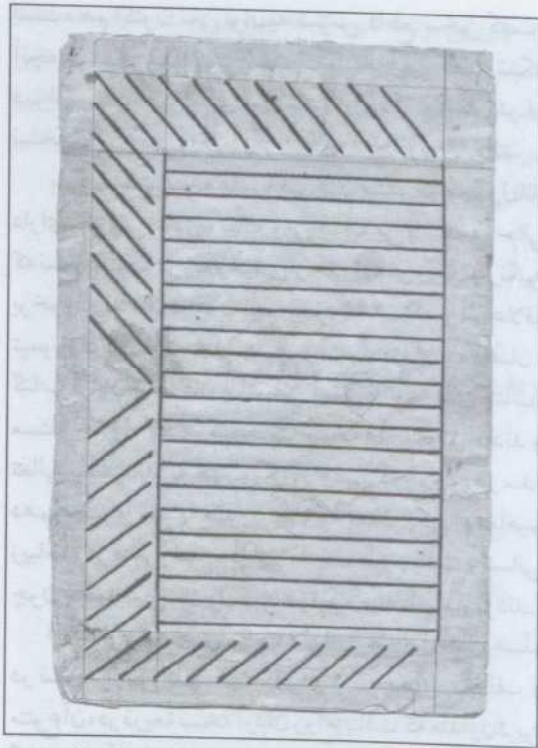
- گر رقص کند چو ذره افشان طلا

یا آب صفت روان شود جدول زر^۴

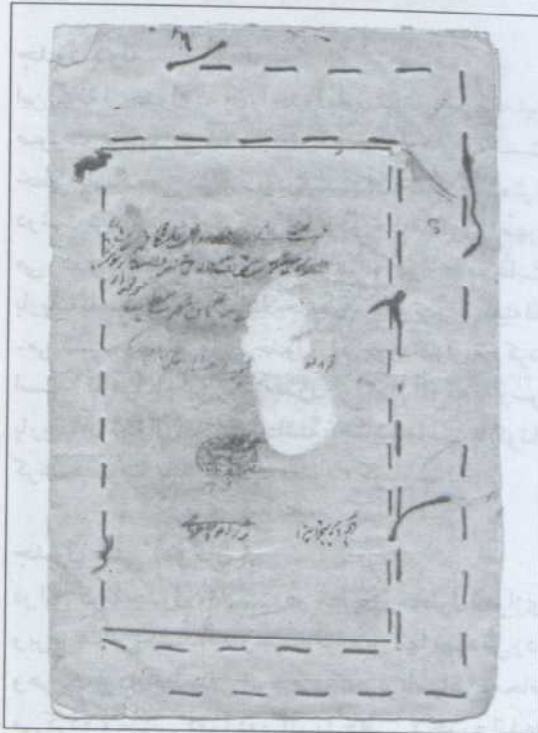
- ز خط سبزه خاکش لوح تعلیم

کشیده جوی آبش جدول سیم^۵
جدول کشی صفحات کتاب در تاریخ کتاب آرایی سنتی از پیشینه دیرینه - که عمر آن را همسان با عمر نسخه پردازی نشان دهد - برخوردار نبوده است. نسخه شناسی تاریخی نسخ خطی فارسی و عربی حاکی از آن است که حتی در سده ۷ هجری نیز بیشترین نسخه ها

۱. عبدالرحمن جامی، دیوان، به کوشش هاشم رضی، تهران، ابی تا، ص ۷۷.
۲. عالی افندی، مناقب هنروران، ترجمه دکتر توفیق سبحانی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۳.
۳. انجوشیرازی، فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیقی، مشهد، چ دوم، ۱۳۵۹، ج ۱ ص ۶۷۱.
۴. وجیه الدین لسانی شیرازی، مجمع الاضناف، (شهر آشوب)، خطی، آستان قدس رضوی، شماره ۴۸۰۰.
۵. جامی، همان، ۶۶۷.



ستاره یا مسطر زن، قرن ۱۲ هجری، مجموعه خاندان عتیقی.



بدون جدول فراهم آمده است. برخی از نسخ خطی قرآن به قلم یا قوت مستعصمی موجود است که در اواخر نیمه نخست یا اوایل نیمه دوم سده ۷ هجری کتابت شده و مُجدول (جدول کشی شده) است. البته در مورد جدول همین نسخه‌ها می‌بایست احتیاط کرد، زیرا احتمال دارد که نسخه‌های مزبور به جهت شهرت و اهمیت خط یا قوت، بعد از سده ۷ ق جدول کشی شده باشد، خاصه که جدول نسخه‌های مذکور بسیار پخته و هنرورانه فراهم آمده است و به عمل جدول کشان هنرمند سده‌های ۸-۱۰ ق ماندگی دارد.^۷

نسخه مکتوب ۵۸۱ ق، از ذخیره خوارزمشاهی (نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۶۲۲۷) که دارای جدول‌های غیر هنری و غیر دقیق است - هم نمی‌بایست همزمان با کتابت نسخه، جدول کشی شده باشد، زیرا ضلعی از جدول که انجامه‌های سطرها را احاطه می‌کند، عموماً یک یا نصف حرف از حروف انجامه‌های سطور را قطع کرده و آنها را بیرون از جدول باقی‌گذاشته است. این روش جدول کشی مطابق با اسلوب کار جدول کشان - که نخست صفحات کتاب را با جدول مسطر، جدول بندی می‌کرده‌اند و سپس کاتب به کتابت می‌پرداخته است - مغایرت دارد و عموماً در نسخه‌هایی که حروف یا کلمه‌هایی از جدول، بیرون افتاده‌اند، جدول آنها، می‌باید در ادوار پس‌تر از دوره کتابت آنها کشیده شده باشد.

با این همه، می‌توان بر پایه تاریخ کتاب آرایی و نسخه‌شناسی تاریخی نسخ خطی گفت که اهمیت جدول کشی از اواخر سده هفتم هجری در میان نسخه پردازان و کتاب آرایان ایرانی و عربی، مسئله‌ای شناخته شده بوده است. نسخه مورخ ۷۱۸ ق، خمسة نظامی (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) و نسخه مکتوب ۷۸۹ ق، از الاغراض الطیبة سید اسماعیل جرجانی (چاپ عکسی بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵) حکایت از این دارد که نسخه پردازان ایرانی، پیش از سده ۸ هجری باروش‌های ابتدایی جدول کشی آشنایی داشته‌اند. در اینکه آیا وجود نسخ آثار مانوی در ایران، زمینه این آشنایی را فراهم آورده است یا ورود نسخ خطی چینی در واپسین دهه‌های سده هفتم هجری موجب این آشنایی شده است، و یا نسخ خطی اسکندرانی، سهم جدول را در نسخه آرایی محقق ساخته

۶. المصنف، بدائع الخط العربی، بیروت، (بی تا)، ص ۴۸، تصویر ۱۹.
 ۷. در اینکه خط یا قوت، طرزی خاص در میان خوشنویسان ایران، ترکیه و بغداد به وجود آورد و نسخه‌هایی چون تاریخ گزیده (نسخه گیپ) و گلستان سعدی (نسخه کتابخانه گلستان) به طرز مزبور کتاب شده است، تردیدی نیست. از این روی نسخ قرآنی مذکور را باید با احتیاط به یا قوت منسوب کرد.

است، هم اکنون نمی‌توان به ضرس قاطع سخن گفت. آنچه مسلم می‌نماید، این است که نسخه‌هایی که در شبکه دیوانی نسخه‌پردازی می‌شده، زودتر و پیش‌تر از نسخه‌های مکتوب در دیگر شبکه‌ها مجدول شده‌اند. باری، بیشتر نسخه‌های خطی قرن هشتم که مجدول‌اند دارای جدولی عادی، ساده و بی‌پیرایه می‌باشند، در حالی که نسخ مکتوب در ریع رشیدی از جدول‌های زرین و رنگین برخوردارند، اما در قرن نهم هجری است که بر اثر علاقه تیمورزادگان به نسخه‌پردازی و متفرعات آن، مذهبیان، کتاب‌آرایان و نقاشان با آشنایی بیشتر به آرایه‌های کتاب، مسئله جدول بندی صفحات نسخه‌ها را رونق دادند و تعالی بخشیدند. به طوری که از همین دوره و نیز در سده دهم هجری مسئله مورد نظر، به حیث یکی از مفاهیم زیباساز در قلمرو نسخه‌آرایی، مجال طرح یافت و کسانی چون محمد امین جدول کش در این زمینه نامبردار بودند.^۸ از سده نهم هجری که جدول از جمله آرایه‌های مسلم در نسخه‌آرایی تلقی شد - انواع و گونه‌های مختلف و متنوع آن، در ذریعه نسخه‌آرایان رواج یافت که متداول‌ترین گونه‌های آن عبارت‌اند از:

جدول دَوَلَه

این گونه از جدول که آن را جدول اول نیز نامیده‌اند به این صورت ترسیم می‌شده است که جدول کش، نخست خطی باریک می‌کشیده و در پشت آن خطی گننده‌تر و درشت‌تر ترسیم می‌کرده و آنگاه دو خط مذکور را مهره می‌زده و سپس در هر جانب خط گننده، دو خط به غایت باریک باسیاهی - که اصطلاحاً به آن "تحریر" می‌گفته‌اند - می‌کشیده و سپس روی جدول را لاجورد کاری می‌کرده است.^۹ ظاهر آ نام این نوع جدول از شکل آن که به رسن یاریسمان (دوال) ماندگی داشته، اخذ شده است با کوتاه کردن مصوت بلند /ā/ به مصوت کوتاه /a/

جدول مثنی (دوگان):

در این گونه جدول، نخست دو خط بازر محلول، موازی و برابر هم می‌کشیده‌اند و سپس بر روی آنها مهره می‌زده و هر یک از دو خط طلا را توسط دو تحریر باسیاهی، محاط می‌کرده و سپس دورا دور آن را خطی لاجورد آندود می‌کشیده‌اند. این نوع جدول از متداول‌ترین و گویا

زیباترین جدول‌های معمول در قلمرو نسخه‌آرایی عصر تیموری، صفوی و پس از آن محسوب بوده است. به توصیف جامی از جدول مذکور توجه کنید!^{۱۰}

آن دو خط کز رخش هویدا بود
گویی با جدولی مثنی بود
که کشید از شفق دبیر سپهر
رقم، آن را به لوح صفحه مهر

جدول سه تحریر

وجه تسمیه آن به خاطر آن است که سه خط تحریر در جدول مذکور اثری زیبایی بخش داشته و عموماً پس از خط اول جدول که به زر حل بوده، دو تحریر در دو جانب آن می‌کشیده و سپس خطی از لاجورد ترسیم می‌کرده و جانب بیرونی آن را نیز با سومین خط تحریر می‌آراسته‌اند.

جدول زنجیره

به نوعی از جدول اطلاق می‌شده است که با چندین خط نسبتاً پهن کشیده می‌شده و جدول کش در فاصله‌های معین روی هر خط، حلقه‌های زنجیر گونه ترسیم می‌کرده و هر ضلع جدول را به ظاهر مانند یک رشته زنجیر فراهم می‌کرده است. این نوع از جدول در نسخه‌آرایی کتاب کمتر به کار می‌رفته است و بیشتر برای قطعات خط و نقاشی از آن استفاده می‌شده است، زیرا جدول پهن و تنک زنجیره‌ای همانند قاب عکس می‌نموده و بر زیبایی قطعه‌های خط و نقاشی می‌افزوده است.^{۱۱}

جدول کشی در تاریخ نسخه‌آرایی به نسبت کتاب‌های مختلف، متفاوت بوده است. جدول‌های نسخ هنری و نفیس را عموماً با گونه‌های جدول مثنی و جدول سه تحریر تعبیه می‌کرده‌اند و در جدول‌های برخی از نسخ قرآنی، نسخ مرقعات قطعات خط و تصویر، بیشتر به گونه‌های جدول‌های دَوَلَه و زنجیره توجه می‌کرده‌اند.

نیز بیشتر آثار منثور را با یکی از گونه‌های جدول‌های مذکور می‌آراسته‌اند و آثار منظوم را با جدول‌های دو ستونی و منظومه‌های بلندی همچون شاهنامه فردوسی، حدیقة الحقیقه سنایی و مثنوی معنوی را که به صورت ۴، ۶ و ۸ ستونی می‌نویسانیده‌اند، طبیعتاً با جدول‌های ۴ و ۶ و ۸ ستونی می‌آراسته‌اند. جدول کشی که از اوائل سده نهم هجری صبغه هنری

۸. قاضی احمد قمی، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۴۸؛ عالی افندی، همان، ص ۱۱۳.

۹. نک: سید یوسف حسین، «وسائله صحافی»، کتاب آرایی در تمدن اسلامی، تحقیق و تألیف نجیب مایل هروی، مشهد، ۱۳۷۲، ص ۴۸۶.

۱۰. عبدالرحمن جامی، همان، ص ۲۳۲.

۱۱. برای نمونه‌های این گونه جدول‌ها، نک: عالی افندی، همان، ۱۳۹ و ۱۴۱؛ المصرف، همان، ص ۴۳؛ تصویر ۱۲، ص ۵۵؛ تصویر ۳۳.

پیدا کرد، نه تنها بر زیبایی نسخه‌های خطی تأثیر گذارد، بلکه با بافت خط کاتبان و خوشنویسان نیز مؤثر افتاد؛ زیرا کاتب و خوشنویسی که بر کاغذهای دارای جدول مسطر می‌نوشت، می‌بایست بافت و اندازه‌های حروف را دقیقاً مورد توجه قرار می‌داد تا آغاز و انجام سطرها و مصرع‌ها

به صورتی نوشته شود که به هیچ روی با جدول صفحات مماس نگردد و یا از نقش جدول مسطر فراتر نرود. این همه بر دقت در کتابت و خوشنویسی اثر گذاشت و خط را در کشیدگی و فشردگی حروف و به تعبیری در ساختارهای بافتی آن سخته‌تر و سنجیده‌تر ساخت.

قاعده جدول مُرْصَع به طریق نظم*

کش سه خط را قریب یکدیگر	وز طلاحل و آخرین برتر
گوشه‌ها کن نشان بچار درست	تا کشی رویرو و پشت به پشت
آنچه ما بین این دو خط شاید	کمتر از پشت کار وی باید
در میان هم دو خط بود اولی	تا نگردد بیاضهما همه جا
بعد از آن مَهره کش مکن تقصیر	تا توانی کشیدنش تحریر
کش دو تحریر دو خط اولی	پس سه تحریر کش خط آخری
چون میان را کنی مثنی هم	چار تحریر باید آنرا هم
کنجها مگذران ز یکدیگر	جهد کن تا نهند سر بر سر
در میانه دو خط اوک کش	لاجوردی که نیودش مرغش
هست پیوسته آن دو خط میان	در میان نیز لاجورد بر آن
باز پایین آن دو خط دگر	خط سیلوبکش وزین مگذر

{*}. قاضی منشی قمی، گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، ج ۲، بی تا، صص ۱۶۱-۱۶۴؛ نامه بهارستان.

کرم یا در اسکنجی خوانند و در سردی باها بونگند و کسی دستهاوسنه اوگاه دارد و کجی بر او با معالذ معوت واسکنجی کشته برانست می کند
لحمی از او برد و سید و جوار را پیش بار زهر آید و با لی سخت در زربست او بند نصی میسبوا علاج این میجو علاج بر معیت کید و اسکنجی را کرمی کسان
و ابرامه دست راست بماند کرم **سکنجی را** علاج سکنجی را با معجون کسکی از زانست کتسناد کسندن معوت و راست کردن اما اگر کسکی کور که زنده
تر بود از او برگیرد و همان نگاه از آن بریند که بعد از یک روز با او در میان بر دور از او با او در آید و از نسیه بر جگاه معده و زنجار او
ببند و بعد و سر از او تا ابر در یک سوایس و در یک سوایس و در یک سوایس با او نگاه دارد و در هر دو کرم بر آن کلان است که بعد و سید کتسنا معوت
کند و کسید و کسید کسینه بر دست راست کند و دارو و روغاره و کتس بر بند و بعدید و آکس کسکی بر او بر یک سوایس و از او برد که کرم
بکند و کسید و کسید اسکنجی را کسید و سید و در وقت که اسکنجی را کسید می کشد بیمار را بر اسکنجی خوانند و چون کشته با سید خودی کرم با معنی در میان
هر دو بر او بپند با هدستان بران سگی که بر است کرده با سید هلف و سخت نماید که کتس میجوی در او با بر فادی سید سید و ام و اگر کسکی عظیم
موز حان نام نیست که باقی بر نتوان رساند و این جاز باند که کتس در او از کسید و بر فادی بپند نام و با او مرود هست سید کسکی از او با معن و رو زو
سکنجی را کسکی را با نام سید بهس را زانو را ده و سکنجی را کسید که کوفه موز با کس که سوز و کرم می و کسکی را کسید که سید کسکی را کسید
و سید و کسید کسینه کسینه و زانو را کسید و برین راه کرمی را بر دست راست کسید و بعد کسینه و شکل طوسی از او بپس دارو را ده و سید
و سید **سکنجی را** سس اسکنجی را ق معنی کسینه اسکنجی را کسید که کسید از هر که کسید که اسکنجی از معاد است کسینه کسینه و کسید کسینه
اسکنجی را کسید و دست بیکه سطر از سید کسینه اسکنجی را کسید که کسید از هر که کسید که اسکنجی از معاد است کسینه کسینه و کسید کسینه
و اگر کسینه کسینه و از آن که در دست بود و است باشد و اگر اسکنجی را کسید که کسید کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
میل کند و هر کس که جود و اگر اسکنجی را کسید که کسید از هر که کسید که اسکنجی از معاد است کسینه کسینه و کسید کسینه کسینه کسینه کسینه
زانو را کسید و در کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
و اگر کسکی بر یک زانو بود و معده و سخت معان باند که کسید از او فرود کسید و بر این بر آید اگر کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
با کسینه کسینه بر آن زانو دارد **سکنجی را** کسینه است که کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
ای که بر خورد از نزد کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
و سید کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
و کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
و اگر کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
و اگر کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه
نام کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه کسینه

کرم

برگی از نسخه ذخیره خوارزمشاهی، در پزشکی، اثر سید اسماعیل جرجانی، ۴۳۴ - ۵۳۱ ق.
مکتوب به سال ۵۸۱ ق، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۶۲۲۷.